

## وضعیت جمعیت در کشورهای جنوب و جوامع اسلامی از دیدگاه جامعه‌شناسی

دکتر محمد تقی شیخی

جمعیت به‌عنوان یکی از عناصر تعیین‌کننده و یکی از مشخصه‌های عمده کشورهای جنوب مطرح است. این بدان مفهوم است که این کشورها را بیشتر با مشخصات جمعیتی آن می‌شناسند، یعنی نقاطی از جهان که دارای نرخ رشد جمعیت بالا، مرگ و میر نسبتاً بالا، مرگ و میر زیاد اطفال، باروری بالا و نهایتاً متوسط طول عمر پایین می‌باشند. کشورهای جنوب بیشترین میزان افزایش جمعیت خود را طی قرن جاری بدست آورده‌اند. تا قبل از قرن بیستم بخاطر نسبت بالای مرگ و میر در این جوامع، شاخص رشد جمعیت بسیار پایین بود و باعث می‌شد که رقم مطلق جمعیت در این نقاط آنچنان تغییری نکند. همینطور، در اوائل قرن بیستم حالتی از سکون و انجماد در زمینه جمعیت کم و بیش در کشورهای غیرصنعتی حکمفرما بوده است.

تحولات صنعتی، توسعه تکنولوژی، انتقال دانش فنی و زمینه‌های تکنولوژیک و گسترش وسائل ارتباط جمعی همگی باعث شدند تا تغییر عمده‌ای در وضعیت جمعیت در نقاطی که در حال حاضر کشورهای جنوب نامیده می‌شوند، بوجود آید. این جریان تاحدی کشورهای جنوب را به دوره تحول جمعیتی<sup>(1)</sup> نزدیک کرده است. قابل ذکر است که این دوره تحول رفتاری برای بعضی جوامع صنعتی نیز بیش از یکصد سال طول کشیده است. این درحالی است که یکی از مشخصه‌های جوامع جنوبی فاصله زیاد بین تعداد موالید و مرگ و میر جمعیت در این جوامع است. هر چه این فاصله کمتر شود، تحقق

اهداف اجتماعی و اقتصادی محتمل‌تر می‌گردد. چنین جریانی در کشورهای صنعتی عموماً در اواسط قرن بیستم تحقق یافت، در حالی که کشورهای روبه توسعه هنوز در مرحله آماده‌شدن جهت نیل به آن می‌باشند.

جهت تحقق تحول جمعیتی، زیربنای اجتماعی و فرهنگی لازم می‌بایست فراهم آمده و همین‌طور، امکانات و شرایط تکنولوژیک لازم در اختیار گذاشته شود. به عقیده بسیاری از محققان اجتماعی، جامعه‌شناسان، جمعیت‌شناسان و... تحولات سیاسی شاید یک‌شبه صورت گیرد، و تحولات تکنولوژیک طی چند سال تحقق یابد، ولی تحولات اجتماعی که تغییرات جمعیتی نیز از آن ناشی می‌شود، خود نیاز به گذشت دهها سال دارند. یعنی طی سالها برنامه‌ریزی، تغذیه فرهنگی<sup>(۱)</sup>، و تکنولوژیکی... می‌بایست صورت گیرد. یعنی به دنبال این تغییرات و تغییرات هنجاری به دو وضعیت جدید باروری و مرگ و میر جمعیتی می‌توان دسترسی پیدا کرد.

وضعیت بهتر اجتماعی-اقتصادی کشورهای جنوب از دیدگاه جامعه‌شناسی با تغییرات جمعیتی آنها مرتبط می‌باشد، یعنی از طریق برنامه‌ریزی همه‌جانبه و جامع در کلیه موارد از جمله در زمینه جمعیت به بسیاری از اهداف توسعه اجتماعی-اقتصادی نیز می‌توان نائل آمد. این جریان گرچه در اغلب کشورهای جنوب شروع شده است، لکن در بعضی از کشورها نظیر چین، کره جنوبی و... با جهت‌گیری‌های خاص در حال انجام می‌باشد. همین امر باعث شده است که در این قبیل کشورها تا حد زیادی پایگاه اجتماعی، اقتصادی و شاخص‌های ذیربط با زمینه‌های یاد شده تغییر کنند. حتی، در مواردی نظیر آنچه که به لحاظ جمعیتی و اقتصادی برای کره جنوبی پیش آمده است، آن کشور را کم و بیش در فهرست کشورهای صنعتی قرار داده‌اند. معمولاً پایین بودن شاخص میزان رشد جمعیت یک نوع تضمین و امنیت اجتماعی-اقتصادی برای نسل‌های آینده فراهم می‌کند. از این رو، نتایج برنامه‌ریزی‌های جمعیتی عموماً در درازمدت مشخص می‌گردد و وابسته به پیش‌نیازهایی از نوع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظیر آن هستند.

افزایش جمعیت در کشورهای درحال توسعه مشکلات مربوط به اشتغال (اشتغال زنان)، توسعه آموزش، انحرافات اجتماعی و بطورکلی بحران‌های پی‌درپی رابه دنبال می‌آورد، نظیر بحرانهای اقتصادی، بحران غذا و حتی در مواردی مشکلات و بحرانهای سیاسی را در این جوامع موجب می‌شود. ازاین رو، جهت دستیابی به ثبات نسبی در زمینه‌های فوق، به مسأله جمعیت به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده نگریسته می‌شود. تاریخ جمعیتی-اجتماعی جوامع اروپایی نظیر انگلستان نشان می‌دهد که به دنبال توسعه صنعت و تکنولوژی و در جریان تحول جمعیتی، نسبت مولد طی دهها سال کاهش یافت و در نتیجه از رشد جمعیت پیشگیری بعمل آمد. این پیشگیری یا تحول باعث بوجود آمدن امنیت در سایر زمینه‌ها در آن جامعه گردید.

به دنبال پایین آمدن رشد جمعیت تضمین و امنیتی در ارتباط با موقعیت زنان در جامعه بوجود می‌آید، یعنی با کُند کردن میزان رشد جمعیت در حال حاضر، امکانات و موقعیت بهتری رامی‌توان درارتباط باوضعیت شغلی، آموزشی، حقوقی، بهداشتی، اقتصادی اجتماعی و... زنان در آینده تضمین کرد. از این رو، تا جایی که به زنان مربوط می‌شود، چنین شرایطی را می‌بایست برای نسل‌های آتی و فرزندان خود (بویژه دختران) به‌وجود آورند. قابل ذکر است که در پاره‌ای از کشورهای جنوب درارتباط با جامعه زنان و موقعیت آنها به‌لحاظ جامعه‌شناسی خلاء بزرگی وجود دارد، یعنی زنان مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند و خصوصیات رفتاری آنها بخوبی شناخته نشده است. چنین وضعیتی بر عدم رشد و توسعه جامعه تأثیر مستقیم و حتمی دارد. ازاین رو، دریچه‌ای دراین زمینه می‌بایست گشوده شود و جمعیت زنان نیز با خصوصیات خاص خود مورد مطالعه و ارزیابی قرارگیرند. رشد این‌گونه تحقیقات جامعه‌شناختی به نظم بهتر جمعیتی نیز کمک می‌نماید.

### جمعیت مسلمان در جوامع جنوبی:

جوامع اسلامی دارای سریع‌ترین میزان رشد جمعیت در جهان هستند افراد این جامعه‌ها که تقریباً ۲۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، غالباً در قسمت‌های جنوب و جنوب شرقی آسیا و افریقای نیمه‌صحرائی بیشتر از کشورهای عربی خاورمیانه (جایی که اسلام از آنجا برخاست) هستند.

براساس میزان رشدی که این جوامع در سال ۱۹۸۰ داشته‌اند، جمعیت ۹۸۰ میلیون نفری آنها تا قبل از سال ۲۰۲۰ میلادی تقریباً دو برابر خواهد شد - یعنی چیزی بالغ بر ۱/۹ میلیارد نفر. جوامع اسلامی در آن زمان ۲۳٪ از رقم کل جمعیت جهان را به خود اختصاص خواهد داد. رشد جمعیت ملل اسلامی بیشتر به خاطر افزایش طبیعی نفوس آنها است - یعنی فزونی موالید بر مرگ و میر تا هر عاملی دیگر.

روابط اجتماعی در جوامع اسلامی مبتنی بر، ترکیبی از قوانین اسلامی و سنت‌های قبل از اسلام است. ظهور اسلام خود از بسیاری از ناپهنجاریهای اجتماعی جلوگیری به عمل آورد. مثلاً، تا قبل از پیدایش اسلام، کشتن و زنده به گور کردن دختران در پاره از قبایل عربستان عملی بود، ولی ارزشهای اسلام موجب توقف آن شده، تعدد زوجات را به حداکثر چهار همسر تقلیل داد و شرایطی بوجود آورد که با زنان بطور منصفانه‌تر رفتار گردد. گرچه در بیشتر جوامع اسلامی ازدواجها اغلب براساس انتخاب کامل نیست، بلکه با دخالت و اعمال نظر والدین (ازدواج تنظیمی و شکل یافته سنتی<sup>(۱)</sup>) بوده، و در سنین پایین انجام می‌گیرد. در این نوع جوامع مردان عهده‌دار کلیه مخارج زنان، بچه‌ها، حتی بیوه‌ها و مطلقه‌ها هستند.

#### فراوانی مسلمانان در جوامع مختلف :

جمعیت مسلمان که در اغلب نقاط جهان بویژه در کشورهای جنوب زندگی می‌کنند. در ۵۶ کشور جهان با نسبت‌هایی قابل ملاحظه پراکنده هستند. براساس بررسیهای آماری به عمل آمده، کشورهای دارای ۵۰ تا ۱۰۰ درصد جمعیت مسلمان در جدول شماره یک آمده است که در بعضی از آنها قوانین شریعت اسلام به کار می‌رود، مثل جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، و بعضی کشورهای دیگر، چون الجزایر و پاکستان که دین اسلام در آنها به عنوان دین رسمی کشور اعلام شده است. در این قبیل کشورها، فرهنگ و آداب و سنن غالباً جنبه‌های اسلامی دارد.

جدول شماره ۱. جامعه‌های اسلامی در سال ۱۹۸۸

کشور / منطقه	درصد مسلمان	کل جمعیت (میلیون)	جمعیت مسلمان (میلیون)
کومور	۱۰۰	۰/۴	۴
مالدیو	۱۰۰	۰/۲	۲
صحرای غربی	۱۰۰	۰/۲	۲
افغانستان	۹۹	۱۴/۵	۱۴/۳
الجزایر	۹۹	۲۴/۲	۲۴
بحرین	۹۹	۰/۵	۰/۵
موریتانی	۹۹	۲/۱	۲
مراکش	۹۹	۲۵/۰	۲۴/۷
عمان	۹۹	۱/۴	۱/۴
عربستان سعودی	۹۹	۱۴/۲	۱۴
سومالی	۹۹	۸/۰	۷/۲
تونس	۹۹	۷/۷	۷/۷
ترکیه	۹۹	۵۲/۹	۵۲/۴
یمن شمالی	۹۹	۶/۷	۶
یمن جنوبی	۹۹	۲/۴	۲/۲
غزه (باریکه‌غزه)	۹۸	۰/۶	۰/۵۹
ایران	۹۸	۵۱/۹	۵۰/۹
لیبی	۹۸	۴/۰	۳/۹
پاکستان	۹۷	۱۰۷/۵	۱۰۴/۳
عراق	۹۶	۱۷/۶	۱۶/۹
کویت	۹۶	۲/۰	۱/۹

## ادامه جدول شماره ۱. جامعه‌های اسلامی در سال ۱۹۸۸

کشور/منطقه	درصد مسلمان	کل جمعیت (میلیون)	جمعیت مسلمان (میلیون)
قطر	۹۵	۰/۴	۰/۴
اردن	۹۳	۳/۸	۳/۵
مصر	۹۱	۵۳/۳	۴۸/۵
سنگال	۹۱	۷/۰	۶/۳
جیبوتی	۹۰	۰/۳	۰/۳
امارات متحده عربی	۹۰	۱/۵	۱/۳
اندونزی	۸۸	۱۷۷/۴	۱۵۶/۱
گامبیا	۸۷	۰/۸	۰/۷
نیجر	۸۷	۷/۲	۶/۳
سوریه	۸۷	۱۱/۳	۹/۸
بنگلادش	۸۵	۱۰۹/۵	۹۳/۱
مالی	۸۰	۸/۷	۶/۹
سودان	۷۲	۲۴/۰	۱۷/۳
آلبانی	۷۰	۳/۱	۲/۲
گینه	۶۹	۶/۹	۴/۸
برونئی	۶۴	۰/۳	۱/۹
لبنان	۶۰	۳/۳	۲
چاد	۵۱	۴/۸	۲/۴
سیرالئون	۵۰	۴/۰	۲
جمع		۷۷۱/۶	۶۸۶/۶

هفت کشور دیگر نیز از دیدگاه جامعه‌شناسی جمعیت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که در آنها اقلیت چشمگیری یعنی بین ۲۵ تا ۴۹ درصد جمعیت آنها مسلمان هستند. تجزیه و تحلیل متغیرهای جمعیتی آنها مشتمل بر میزان خام موالید، میزان خام (عمومی) مرگ و میر، میزان باروری کلی، میزان مرگ و میر اطفال، امید زندگی، نسبت پسران مدرسه‌رو به دختران مدرسه‌رو درصد زنان ازدواج کرده کمتر از ۲۰ سال، حاکی از آن است که اقلیت‌های مسلمان در این جوامع از نظر هنجارهای اجتماعی و جمعیتی بیشتر مشابه ملل مسلمان (اکثریت جمعیت مسلمان) هستند تا سایر ملل رو به توسعه. جدول زیر معرف این نوع جوامع است:

جدول شماره ۲. کشورهای با اقلیت عمده مسلمان

(۴۹-۲۵) در سال ۱۹۸۸

کشور/منطقه	درصد مسلمان	کل جمعیت (میلیون)	جمعیت مسلمان (میلیون)
مالزی	۴۹	۱۷/۰	۸/۵
نیجریه	۴۵	۱۱۱/۹	۵۰/۴
بورکینافاسو	۴۴	۸/۵	۳/۷
گینه بیسائو	۳۸	۰/۹	۰/۳
اتیوپی	۳۵	۴۸/۳	۱۶/۹
تانزانیا	۳۰	۲۴/۳	۷/۳
ساحل عاج	۲۵	۱۱/۲	۲/۸
جمع		۲۲۲/۱	۸۹/۷۹۰

جدول شماره ۳. خصوصیات جمعیتی - اجتماعی جامعه‌های اسلامی در مقایسه با سایر جامعه‌های جهان ۱۹۸۸

ملل توسعه‌یافته	اقتصادهای با برنامه‌ریزی متمرکز سابق	سایر ملل روبه توسعه	جامعه اسلامی	خصوصیات جمعیتی و اجتماعی
۲۵	۷	۹۴	۴۷	تعداد ملل
۳۱/۸	۵۷/۰	۳۰/۳	۲۱/۲	اندازه متوسط جمعیت (میلیون)
۱۳/۱	۱۵/۰	۳۳/۶	۴۲/۱	میانگین میزان خام موالید در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت
۹/۴	۱۱/۶	۱۰/۱	۱۳/۸	میانگین میزان خام مرگ و میر در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت
۰/۳ درصد	۰/۴ درصد	٪۲/۳	٪۲/۸	میانگین میزان افزایش طبیعی جمعیت
۱/۷	۲/۱	۴/۵	۶/۰	میانگین میزان باروری کلی
۷۵	۷۰	۶۲	۵۵	میانگین امید زندگی (سال)
۱۰	۱۸	۶۳	۱۰۴	میانگین میزان مرگ و میر اطفال در هر ۱۰۰۰ مولود
۲۰	۲۳	۳۹	۴۳	درصد جمعیت کمتر از ۱۵ سال
۷۴	۶۴	۴۳	۴۰	درصد جمعیت شهرنشین

Source: population referance bureau, 1988 world population data sheet.

ارقام مربوط به جوامع مختلف در جدول (۳) فراهم آمده و منعکس‌کننده خصوصیات عمده جمعیتی ملل مذکور است. میزانهای فوق‌گویای سطح آموزش، بهداشت، تغذیه تنعم و فقر نزد جمعیت‌ها است که خود از نظر جامعه‌شناسی حائز اهمیت فراوان و درخور غور و تجزیه و تحلیل وسیع است. بررسی ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ملت‌های مختلف مبتنی بر شاخص‌های فوق‌است مسلمانان می‌بایست تلاش فراوان به‌عمل آورند



تا فاصله سطح توسعه بین خود و ملل توسعه یافته را به حداقل برسانند. به طور میانگین احتمال مرگ یک نوزاد تازه به دنیا آمده در جوامع اسلامی ده مرتبه بیشتر از همتای او در جوامع توسعه یافته است. از بین بردن چنین فاصله‌ای نیاز به زمینه‌سازی‌های فرهنگی و تکنولوژیکی دارد که آن هم بدون تحقیقات و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی دشوار خواهد بود. جوامع اسلامی عموماً در مراحل اولیه تحول جمعیتی (جریانی که منجر به باروری پایین و مرگ و میر پایین می‌شود) هستند. قابل ذکر است که در این جوامع میزانهای مرگ و میر رو به کاهش است (گرچه هنوز هم در سطح جهانی بالاترین هستند). ولی میزان باروری در این جوامع هنوز هم در سطحی بالا قرار دارد که خود به عنوان عامل بروز بسیاری از مشکلات اجتماعی و اقتصادی قلمداد می‌شود.

نگاهی کلی به سیمای جمعیت در جوامع اسلامی نشان می‌دهد که ۴۳٪ جمعیت در این جوامع در گروه‌های سنی جوان هستند - یعنی جمعیت کمتر از ۱۵ ساله‌ای که در انتظار تامین بسیاری از نیازمندی‌های مربوط به تغذیه، بهداشت، آموزش و پرورش و... خود هستند. این رقم حدود دو برابر ارقام مشابه در کشورهای صنعتی است.

وجود ملل تولیدکننده نفت در جهان اسلام تا اندازه‌ای موجب افزایش درآمد سرانه در جامعه‌های اسلامی شده است. این بالا بودن درآمد نفتی به نحوی است که از نظر آماری متوسط درآمد سرانه تعدادی از آنها نظیر عربستان سعودی، کویت، امارات امارات متحده عربی، بروئی، قطر و عمان سالیانه بیش از ده هزار دلار آمریکایی برآورد شده است - چیزی که تقریباً با متوسط درآمد سرانه در اروپای غربی (۱۱۳۸۰ دلار) برابری می‌کند؟

شش کشور فوق که در آنها نفت تولید عمده اقتصادی به حساب می‌آید از نظر جمعیتی بسیار کوچکتر از حد میانگین در سایر کشورهای اسلامی هستند (یعنی متوسط حدود ۳/۴ میلیون نفر در برابر متوسط ۲۴/۲ میلیون نفر در سایر کشورهای اسلامی). این امر خود موجب شده است که بعضی از شاخص‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی آنها در حد کشورهای صنعتی قرارگیرد. مثلاً، میزان خام مرگ و میر بین آنها ۶ در هزار نفر برآورد شده است، در حالی که در بین سایر کشورهای اسلامی این شاخص رقم ۱۳/۸

در هزار را به طور متوسط به خود اختصاص می دهد. این گروه از کشورهای اسلامی تولیدکننده نفت به خاطر بنیه قوی مالی دارای تسهیلات خدماتی و رفاهی نسبتاً خوبی می باشند (یعنی چیزی حدود کشورهای صنعتی). در حالی که سایر جوامع اسلامی از این امکانات برخوردار نیستند و نمی توان وضعیت آنها را به کل تضمین و تعمیم داد در نتیجه، جوامع جنوبی و اسلامی جهت پیشبرد اهداف توسعه اجتماعی و اقتصادی خود می بایست همزمان با سایر اقدامات، برنامه ریزیها و اصلاح شاخصهای جمعیتی را مورد توجه قرار دهند. بسیاری از این جوامع با توجه به منابع زیرزمینی غنی، گر چه در مواردی شاهد رشد سریع اقتصادی و صنعتی و به دنبال آن تغییرات فرهنگی بوده اند و با پیش گرفتن فرآیند نوسازی اجتماعی سعی در کاهش سطح باروری خود دارند. تحقق این جریان می تواند با اعطای حقوق اجتماعی بیشتر به زنان و اشاعه برنامه های سوادآموزی همراه باشد. نهایتاً این جریان عدالت اجتماعی را نیز به ارمغان خواهد آورد.

#### فهرست منابع:

1. Cammack , Paul.and others , Third World Politics, Macmillan 1990.
2. Beck, L. and N. Keddie, Women in the Muslim World, Harvard University Press, 1978.
3. Srinivasan, K. and Mukerjis, Dynamics of Population and Family Welfare, HPH, Bombay 1981.
4. International Family Planning Perspectives, Vol.15, No2, September 198 .
5. Grindstaff CarlF., population and Society; A sociological Perspective, The Christopher Publishing House, Mass, U.S.A., 1981.
6. Population Headliners, ESCAP, NO.205, April 1992.
7. Population and Development Review, Vol.20, NO.2, June 1994.
8. International Dateline, October 1994.